

نگاهی به عابدی نامه

محمد عرفان*

این بنده ناچیز نزد استاد پروفیسور امیر حسن عابدی درس نخوانده‌ام ولی برخی از آثار او را مطالعه کرده‌ام. اولین بار او را در خانه فرهنگ ایران دهلی نو دیدم. آن زمان من از دانشگاه مگده بیهار برای آموزش زبان و ادبیات فارسی در سال ۲۰۰۱ م در خانه فرهنگ مهمان بودم و با استاد عابدی آشنا شدم. او از من درباره زبان فارسی و وضعیت دانشگاه من جويا شد و خبر پرسید و به هم دوست شدیم. من اینجا کنار استادان دو هفته زندگی کردم. تخت من نزدیک استاد عابدی بود. استاد همیشه مشغول گفتگو می‌بود و من از این گفتگوها استفاده می‌کردم، این بود که من از آن زمان فریفته استاد عابدی شدم.

من در سال ۲۰۰۲ م برای دوره دکتری در دانشگاه جواهرلعل نهرو به دهلی آمدم و تا آن زمان در دانشگاه جواهرلعل نهرو زندگی می‌کنم و وابستگی با خانه فرهنگ از آن زمان تا امروز جاری است. در خانه فرهنگ استاد عابدی را می‌دیدم که او همیشه در کار تحقیق می‌بود. خانه او نزدیک دانشگاه جواهرلعل منطقه وسنت وهار بوده است. من چند بار همراه او با ماشین به دانشگاه آمدم و آقای عابدی مرا با احترام نزد دروازه دانشگاه پیاده می‌کرد. او مرا همیشه برای تحقیق زبان و ادبیات فارسی تشویق می‌کرد و توصیه به افزایش حوصله می‌کرد و اهمیت ادبی زبان و ادبیات فارسی را بیان می‌کرد. چند بار مرا برای خانه آمدن دعوت داده بود. موضوع صحبت او همیشه کارهای ادبی و علمی بود.

* دانشجوی دکتری فارسی دانشگاه جواهرلعل نهرو، دهلی نو.

وقتی که من در سال ۲۰۰۱ م در خانه فرهنگ مهمان برای آموزش آمده بودم؛ اینجا بسیاری استادان فارسی از ایالت‌های سراسری هند آمده بودند. استاد عابدی اینجا با استادان مشغول گفتگو می‌بود. یک‌بار مرا چند کتاب هدیه کرد. یک دفتر آورد و گفت که همه مهمانان آدرس پستی اینجا بنویسید. من آدرس پستی‌ام را نوشتم و از استاد عابدی آدرس پستی او را پرسیدم و در دفتر خود نوشتم و از خانه خود هنگام سال نو برای ایشان نامه نوشتم. استاد برای نامه من جواب فرستادند و تلقین خدمت زبان و ادبیات فارسی را کردند.

من «عابدی‌نامه» را نگاه کرده بودم ولی آن موقع مطالعه نکرده بودم، و شوق مطالعه در من باقی مانده بود. استاد عابدی وفات یافت، پس مرا شوق دیرینه بیدار شد که «عابدی‌نامه» را مطالعه بکنم و درباره استاد عابدی چیزی بنویسم و می‌خواهم که آثار او را زیاد مطالعه بکنم. «عابدی‌نامه» به موقع هفتادمین سالگرد استاد عابدی چاپ شده است. شاگردان او پروفسور نورالحسن انصاری مرحوم و پروفسور عبدالودود اظهر دهلوی و پروفسور شریف حسین قاسمی مرتب کردند و چاپ کرده بودند.

در این کتاب نوشته‌های پروفسور نذیر احمد، پروفسور نثار احمد فاروقی، پروفسور باگوت سروپ، پروفسور شعیب اعظمی، پروفسور شریف حسین قاسمی، دکتر محمد یوسف، پروفسور اظهر دهلوی نمایان است. «عابدی‌نامه» مشتمل بر پنج فصل است. در این اثر از دوستان و شاگردان او مقالات مهم به زبان اردو، فارسی و انگلیسی موجود است.

تقویم احوال پروفسور عابدی که با قلم خود نوشته است و آثار استاد سید امیر حسن عابدی که تا آن مدت چاپ شده بود، در این کتاب عنوان کتاب و مقاله‌های چاپ کرده با تاریخ و سال موجود است و چند مقاله از استادان و شاگردان او شامل کتاب است. مانند: محقق زبان و ادبیات فارسی از دکتر آصفه زمانی، نقد و برسی شعر عصر قاجار از ظهور فتحعلی شاه تا انقلاب مشروطیت از دکتر علوی مقدم، مطالعه‌ای در نسخه‌های دستنویس از عطا کریم برق، مطلوب‌المبارک جهان‌بینی سعدی از دکتر سید اکرم، سمندر از دکتر جعفر شهیدی، شعر انقلاب ایران از دکتر اسماعیل حاکمی، بیاض از استاد ایرج افشار (تهران)، تأثیرپذیری اقبال از فرهنگ اسلامی، تأثیر غزالی بر

فلسفه زذایی سهروردی، سرورالصدور از دکتر سلیم اختر (اسلام‌آباد)، نفوذ برمکیان در ادبیات فارسی، از اکادمیسن دکتر جاوید (کابل)، زبان فارسی در پاکستان، از خانم نسرین اختر (لاهور)، دیوان حافظ: نسخه خطی نادر در آرشیو ملی، توصیف دارالخلافة شاهجهان‌آباد، ترجمه فارسی الممالک و المسالک اصطخری از دکتر خانم قمر غفار، شیوه و روش تحقیق از پروفیسور ناتل خانلری، سعدی معلّم اخلاق از دکتر رضا مصطفوی، ادبیات معاصر دری از دکتر محمد اسلم خان، عابدی صاحب و میں (آقای عابدی و من) از پروفیسور سید حسن و تأثراتی پروفیسور نذیر احمد علیگره است و در این کتاب شش مقاله زبان انگلیسی به‌عنوان ذیل است:

1. *Ahmad B. Abdullah Khurasani and the Earliest Persian Poetry* by Prof. Nazir Ahmad,
2. *The Mythical Structure of Iranian Epic* by Bhaman Sarkariati,
3. *Indian Language in the Persian Enviroment* by Dr N.S. Gorekar,
4. *Tagore and the Sufi* by A.G. Ravan Farhadi,
5. *Amir Khusru in the Presence of His Mentro Hazrat Nizamuddin Aulia, Sa'di Visit to Somnath* by Prof. A.N. Qurashi.

شرح احوال پروفیسور عابدی که خود نوشته او است، به‌این شرح است:
 من در سال ۱۹۲۱ م در شهر غازیپور تولد شدم، در سال ۱۹۴۳ م فوق لیسانس از دانشگاه سنت جانس وابسته به دانشگاه آگرا بود، تمام کردم و در سال ۱۹۴۵ م انتخاب به‌عنوان استاد فارسی (استادیار) در کالج سنت استفن دهلی شدم و در سال ۱۹۴۷ م دریافت دکتری از دانشگاه آگرا شدم و در سال ۱۹۵۷ م انتقال به‌گروه فارسی دانشگاه دهلی، در سال ۱۹۵۹ م ارتقاء به‌سمت دانشیار (ریدر) فارسی در دانشگاه دهلی، در سال ۱۹۶۵ م ریاست جلسات بخش عربی و فارسی کنگره مستشرقین هند منعقد گوهاتی (آسام) و در سال ۱۹۴۵ م مسافرت به‌افغانستان بنا به‌دعوت دانشگاه کابل، در سال ۱۹۶۹ م انتصاب به‌سمت نخستین استاد (پروفیسور) زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی و در سال ۱۹۶۹ م مسافرت به‌ایران، در سال ۱۹۷۱ م شرکت در کنگره ایرانشناسی شیراز، در سال ۱۹۷۲ م تقدیر از طرف رئیس جمهوری هند به‌خاطر خدمات شایسته به‌زبان و ادبیات فارسی، در سال ۱۹۷۳ م ریاست دانشکده ادبیات

دانشگاه دهلی، در سال ۱۹۷۴ م مسافرت به ترکیه، سوریه و لبنان، در سال ۱۹۷۵ م شرکت در کنگرهٔ امیر خسرو در کابل، در سال ۱۹۷۵ م شرکت در جشن طوس فردوسی و کنگرهٔ دقیقی در مشهد، در سال ۱۹۷۵ م مدیریت سیمینار بین‌الملل امیر خسرو دهلی‌نو، زیر نظارت دولت هند، در سال ۱۹۷۸ م دریافت جایزهٔ فخرالدین علی احمد رئیس فقید هند از موسسهٔ غالب دهلی‌نو، در زمینهٔ تحقیقات فارسی، در سال ۱۹۸۰ م ریاست کنگره‌های انجمن استادان فارسی هند، در سال ۱۹۸۴ م انتصاب به‌عنوان استاد ملی از طرف کمیسیون دانشگاه‌های هند، در سال ۱۹۸۶ م بازنشستگی از دانشگاه دهلی، در سال ۱۹۸۶ م انتصاب به‌عنوان استاد ممتاز دانشگاه دهلی.

استاد تثلیث (Trio)

پروفسور عابدی اینجا نوشته است که بزرگان من در یک روستای اعظم‌گر ایالت اترپرادش زندگی کرده بودند. در زمان انگلیس‌ها جانداد [دارایی و املاک] از دست بزرگان من رفت. بعداً آنها در مقام کیدلیپور ضلع اعظم‌گره رهایش اختیار کرده بودند. یک شاخهٔ این خاندان محمدآباد ضلع اعظم‌گره سکونت اختیار کرده بودند. جد من در گنگولی که یک قصبه گمنام غازیپور بود آباد شدند^۱ و می‌نویسد که من فرزند یک غریب مادر طاهره بی بی و پدر سید شبیر حسن هستم. در سال جولایی ۱۹۲۱ م در دیهات گنگولی غازیپور پیدا شدم. پدرم خواهش می‌داشت که من دین و دنیا تحصیل هردو را بکنم و به‌علاوه زبان عربی و فارسی، زبان انگلیسی و سانسکرت را عالم بشوم. تحصیل مقدماتی در مدرسهٔ چشمهٔ رحمت (غازیپور)، سلطان‌المدارس لکهنو و جوآدیه عربی کالج بنارس یافته بودم. من با استادان اختصاصی استفاده کردم و روابط پیدا کردم به‌استادان فرهنگی محل: مولانا عنایت الله و مولانا صبغت الله. فرهنگی محل یک مرکز منطق و فلسفه بوده است. من مولانا حسرت موهانی را یک‌بار اینجا دیدم که برای ملاقات استاد مولانا صبغت الله آمده بود. مولانا صبغت الله از حج برگشته بود. علاوه دیگر استادان من مولانا سید علی نقی و شمس‌العلماء مولانا سبط حسن بودند. در لکهنو

۱. انصاری، پروفسور نورالحسن، عابدی‌نامه، ص ۱۰.

تربیت من زیر رهنمایی مولانا سید حسن نونهروی مرحوم و اهلیه او عابده بی بی شد. من در لکهنو آشنا شدم استادان و شاعران بزرگ که برای ملاقات استادان من می آمدند. من بعد تحصیل مدرسه در کالج سنت جانس آگرا تحصیل زبان عربی و فارسی کردم. اینجا استاد من مولانا حامد حسن قادری، کینن سولی [T.D. Canon Sully] و سی. مهاجن [C. Mahajan] بود. زیر رهنمایی این استادان من دکتری تمام کردم. در سال ۱۹۴۵ م من در کالج سنت استفن دهلی برای استاد فارسی و اردو مقرر شدم. اینجا یار مشفق من پرنسپل (مدیر) دی راجا رام بود. در سال ۱۹۴۷ م که زمان پرآشوب بود او مرا در خانه خود جا داده بود. من در دهلی در مراسم تشییع جنازه مهاتما گاندی شرکت کرده بودم.

بعد من به سفارش آقای پروفیسور منظور حسین موسوی (مرحوم) رییس شعبه فارسی دانشگاه دهلی و آقای علی اصغر حکمت سفیر ایران، در سال ۱۹۵۵ م برای تحقیق ایران رفتم و سند تحقیق حاصل کردم. در سال ۱۹۵۷ م از دانشگاه استفن کالج در دانشگاه دهلی آمدم و در سال ۱۹۶۹ م اولین پروفیسور فارسی در هند شدم. آقای عابدی می نویسد که من سانسکرت زیاد نخوانده ام ولی تراجم فارسی سانسکرت معرفی کردم و کوشش کردم و می کنم که نسخه های قلمی کمیاب فارسی را منظر عام بکنیم.

تأثراتی پروفیسور سید حسن

این سه استاد پروفیسور سید حسن، پروفیسور نذیر احمد و پروفیسور عابدی به عنوان استاد تثلیث در هند مشهور بودند. سبب این بود که در هند در هر دانشگاه برای امتحان و مذاکره این سه استاد حاضر می بودند و در ایران باهم دیلیت کرده بودند و پروفیسور شده بودند. شاگردان او اینها استاد تثلیث نام داده بودند. در «عابدی نامه» این سه استاد را هم تأثراتی شامل است.

پروفیسور سید حسن می نویسد:

”آشنایی اول از آقای عابدی در سال ۱۹۵۴ م شد که من از طرف حکومت هند برای تحصیل در ایران بورس گرفته بودم، این وظیفه برای تحصیل فارسی جدید

در ایران بود و برای انترویو (مصاحبه) مع دیگر استادان دهلی آمده بودیم و دکتر نذیر احمد از لکهنو آمده بود. من و دکتر نذیر احمد برای این تحصیل انتخاب شدیم و آقای عابدی شش ماه قبل برای تحصیل در ایران دعوت‌نامه گرفته بود. این انترویو برای استاد عابدی فقط یک حضری بود. او قبل از من ایران رسید. من و دکتر نذیر احمد در سال ۱۹۵۵ م اکتوبر بذریعه جهاز سمندر ایران روانه شدم و در شهر خرم (الحال شهر خمینی) پا گذاشتیم و بعد به راه آهن تهران در روز یکم نومبر رسیدیم. در اینجا دانشگاه پاشگاه که اینجا برای دانشجویان خارجی خوابگاه نظم بود، اطاق جدا جدا گرفتیم. آقای عابدی اینجا حاضر بود و گفت آه! یارو خوش آمدید و دعوت داد، برای نهار در داینگ هال خوابگاه دانشگاه. من در ایران بعد از چند روز دلبردشته شده بودم و یاد خانه خود ستائیده بود ولی آقای عابدی مرا همّت داد و همیشه مرا دلجویی و کمک می‌کرد. این سبب شد که من در تهران دو سال برای تحصیل زندگی کردم^۱.

تأثراتی پروفیسور نذیر احمد

او می‌نویسد که آشنایی وی با آقای عابدی بیش از سی سال است، وقتی که برای تحصیل فارسی جدید از طرف حکومت هند من تهران رفته بودم. آنجا دکتر عابدی حضور داشتند. قبلاً با آقای عابدی ملاقات نشده بود، گرچه من استاد دانشگاه لکهنو و آقای عابدی در دانشگاه دهلی بودیم. در آن زمان مثل امروز سمینار و کنفرانس برگزار نمی‌شد. استاد عابدی یک سال قبل از من به ایران رسیده بود و من و پروفیسور حسن بعد از یک سال به تهران آمدم. لذا آقای عابدی رهنما من شد و دوست شد. او می‌نویسد:

”استاد عابدی برای خوردن شایق خوب بود و حق دعوت عالی ادا می‌کرد. در خوابگاه باشگاه چند کشورهای مختلف دانشجوی بودند. در این همه دکتر عابدی خیلی مقبول بود. دکتر عابدی بی‌پناه جذبۀ خلوص داشته بود. در این تأثراتی

۱. انصاری، پروفیسور نورالحسن، عابدی‌نامه، ص ۳۷۴.

استاد نذیر احمد از زندگی استاد عابدی پهلو مختلف بیان کرده است. می‌نویسد که عابدی صاحب در تهران زیاد مطالعه و تحقیق نمی‌کرد و شوق نویسندگی زیاد نمی‌داشت ولی بعد از برگشتن از ایران این قدر شوق پیدا شد که در کار تحقیق و مطالعه زندگی خود را وقف کرد. من در ایران مشغول مطالعه و دریافت نسخه خطی می‌بودیم. دکتر عابدی مرا می‌گفت که چرا این قدر وقت ضایع می‌کنی!^۱

و او می‌نویسد که دکتر عابدی جواب نامه را زود می‌دهد و کسی را فراموش نمی‌کند. وقتی که من در دهلی بودم سکونت من در خانه آقای عابدی می‌بود. در برابر استاد عابدی در این جهان دیدن انسانی دیگر مشکل است. دعا می‌کنم برای خیر و عافیت، این استاد را.

در تهران استاد عابدی عادت داشت که با استادان و شاعران بزرگ آشنایی پیدا کند و به‌ما نیز توصیه می‌کرد. استادان و شاعران مثل: ایرج افشار، دکتر حاکمی و غیره ملاقات کرد و دوست شده بود و هر هفته تلاش می‌کرد تا یک استاد نو برای صحبت پیدا کند. من و استاد سید حسن و دکتر عابدی و گاهی دیگر دانشجویان باهم می‌بودیم.

آثار

آثار استاد سید امیر حسن عابدی تا سال ۱۹۸۲ م. در «عابدی‌نامه» درج است. این آثار در هند و خارج از آن چاپ شده است.

کتب

و کرم اروشی،	گلزار حال،	مثنویات فانی کشمیری،
جوگ و شست،	سوز و گداز،	منتخب الطوائف،
داستان پدماوت،	تاریخ سلاطین صفویه،	پنچاکیانه،
ضمیمه تعلق‌نامه امیر خسرو، ابوطالب کلیم کاشانی،	ادبیات فارسی در هند،	
عصمت‌نامه یا قصه مینا و لورک، کتاتریت ساگر» (دریای اسمار) و...		

۱. انصاری، پروفیسور نورالحسن، عابدی‌نامه، ص ۳۸۵.

مقالات

هندوی فارسی‌دان، دیوان طوسی، ظفر خان احسن، منوهر داس توسنی، ابوطالب کلیم، بنیانگذار شعر نو، بابا ولی رام، ملّا طغرا، شهریار، سلیم تهرانی، منیر لاهوری، جدید ایران کا انقلابی و سماجی ادب، ادبیات انقلابی و اجتماعی ایران معاصر، عنایت خان آشنا، حکیم حاذق، مقیم فوجی، غازی خان قاری، کامی شیرازی، تجلی، مثنوی مهر و ماه، مثنویات ملّا شاه، غالب و سبک هندی، دانش مشهدی، داستان پدماوت در ادبیات فارسی، فانی کشمیری، کلیات ساعی، میر کا سبک شاعری سبک شعر فارسی (میر تقی میر)، دیوان اویس بیگ فطرت، صوفی مازندرانی، یک شاعر برجسته دوره شاهجهان، عصمت‌نامه، قدسی مشهدی، حسن بیگ رفیع، داستان رامایانا در ادبیات فارسی هند، روس کا ایک فارسی شاعر شوروی پنجاکیانه، دیوان شاه، مولانا کاشفی، هندوستان میں فارسی کا مستقبل (آینده زبان و ادبیات فارسی در هند)، دیوان هجری، مثنوی هجر وصال معاصر، ماتوراس هندو، مثنوی معدن الجواهر، صائب تبریزی اصفهانی، نظیر اکبرآبادی و سبک هندی، افغانستان کی سماجی و ادبی سرگرمیان، فعالیت‌های اجتماعی و ادبی افغانستان، چندربهان برهمن، دیوان راقم، داستان رامایانا در ادبیات فارسی، سیاه موی جلالی، روابط ادبی افغانستان و هند، ثنایی مشهدی، شریف کاشی، عبدالرحمن مشفق، پنجاکیانه ترجمه ناشناخته پنچانتترا، ملّا شیدا، صابر کاکوروی، طالب آملی، نوعی خوبشانی، کلیات توفیق، افغانستان و هند، داستان سنی در ادبیات فارسی، صائب، فارسی ادبیات میں حدیث کشمیر، (حدیث کشمیر در ادبیات فارسی)، سنجر کاشی، غنی کشمیری، منتخب الطائف، هایوں و اکبر دور کے دو اردو غزلیں (دو غزل اردوی دوره همایون و اکبر)، میر جمله روح الامین، سعیدی تهرانی، عارف خراسانی، سالک قزوینی، رستم مرزا فدائی، برخی از منابع ناشناخته فارسی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران و هند، فتح گیلانی، غروری، تراجم آثار هندی به فارسی، ناصر همدانی، ابوطالب کاشانی، پندت زنده رام، موبد کشمیری، هجرم کشمیری، مثنویهای رانی چندرا کرن، دیوان بیرم خان، دریای اسمار، داستانهای هندی در ادبیات فارسی، سهم گرانددر هند در گسترش زمینه زبان و ادبیات، دیوان هادی، یکی از نسخه‌های خطی کهنه و اصیل دیوان حافظ، تارا چند و ادبیات فارسی، آثار نادر امیر خسرو در ترکیه، ضمیمه تعلق‌نامه، غزلیات فارسی امیر خسرو، امیر خسرو و سبک هندی، قصاید

ناشناخته و گرانبهای شعرای بزرگ ایران، شاهنامه و هند، مقطعات و رباعیات ناشناخته شعرای بزرگ فارسی، آثار ناشناخته، فردوسی و عنصری، مقطعات ناشناخته، خلائق المعانی، مطالعات تحقیقات فارسی در هند، نسخه خطی مهم دیوان قیلاق بیگ، اقبال از حیث غزل سرای فارسی، دیوان کوبی، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، چند غزل و قطعه غیرچاپ شده امیر خسرو، خان کلان میر محمد خان غازی، دیوان رضا، سهم منشی نولکشور به گسترش ادبیات فارسی، نسخه خطی کهنه و پرارزش غزلیات سلمان ساوجی، نفوذ هندی در ادبیات فارسی، دیوان ابوالفرج رونی، هند از دیدگاه خسرو، حدیث بنارس در ادبیات فارسی، سه قصیده ناشناخته امیر معزی، مطالعات عربی و فارسی در هند، جلیس المشاق، غالب و سبک هندی، بیدل و سبک هندی، محقق برجسته شهیر سرزمین هند و پاکستان، چند غزل غیرچاپی سلمان ساوجی، بیاض مهم شعرای فارسی، خواجه حسن هروی، خم کده خیام، دیوان عشقی، سبک شعر فارسی میر تقی میر، دیوان ساعی، دیوان پیام، بیاض نادر شعرای فارسی، امیر خسرو و بلوی کاغیر مطبوعه منظوم کلام، غزلیات ناشناخته سعدی، یک بیاض نادر خطی، دیوان غضنفر گجراتی، بتخانه، کلام غیرچاپی مولانا عبدالرحمن جامی، یک معمه های ناشناخته دقیقی، بعضی نسخه های خطی مهم دیوان حسن سنجری، تذکرة السلاطین یا مجموعه اشعار، غزلیات ناشناخته ملالی.

The Influence of Hindi on Indo Persian Literature in the Reign of Shahjhan, The Story of Rama in Indo-Persian Literature, Translation in and from Persian, The Story of Hir Ranjha in Indo-Persian Literature, The Story of Sassi and Punum in Indo-Persian Literature, The Story of Mina and Lorak in Persian Literature, Indian Stories in Indo-Persian Literature, Talib Amuli, Baba Farid as a Persian Poet, Baba Sheikh Fariduddin Ganj Sakar, Maulana Jaluddin Rumi his Times and Relevance to Indian Thought, A Persian Poet par Excellence, Avadh in the Time of Amir Khusrau, Some Valuable Hitherto Unknown Persian Anthologies in Indian Libraries and Museums, Some Precious and Valuable Ghazals of Famous Persian Poets, Hafiz and India, Some Valuable & Hitherto Unknown Quatrains of Omar Khyam, A Scientific Study of Indo-Persian is Necessary, India's Rich and Valuable Contribution of Persian Literature, Some Valuable and Hitherto Unknown Sources for the Study of Indian History & Culture, Some Hitherto Unknown

Ghazals and Attar Sa'di and Hafiz, Some Valuable and Hitherto Unknown Quatrains of Great Persian Writers.

پروفیسور عابدی دہلی را خیلی دوست می داشت. و می نویسد کہ در این مدت طولانی، دہلی برباد و آباد شدہ را دیدم. من این قدر با دہلی مانوس شدہ ام کہ اگر کسی بگوید کہ دور از دہلی زندگی بکنید، پس من بگویم کہ:

کون جائے عابدی دلی کی سڑکیں چھوڑ کر
(چہ کسی بروید، عابدی! خارج از جادۂ دہلی)!

منابع

۱. انصاری، پروفیسور نورالحسن، عابدی نامہ، گروہ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دہلی، دہلی، ۱۹۹۰ م.
۲. برنی، سید حسن، مقالات برنی.
۳. بیگ، مرزا سنگین، سیرالمنازل، اردو اکادمی، دہلی نو.
۴. حکمت، علی اصغر، نقش پارسی بر احجار ہند، ایران سوسایتی، کلکتہ، ۱۹۵۷ م.
۵. خان، سر سید احمد، آثارالصنادید عجم، منشی نولکشور.
۶. دہخدا، علامہ، لغت نامہ، شرکت چاپ، ۱۲۸ تہران، ۱۳۴۶ ھ ش.
۷. دیال، مہیشور، عالم میں انتخاب دہلی (اردو)، اردو اکادمی، دہلی نو.
۸. طباطبای، منشی غلام حسین، سیرالمآخراہین، منشی نولکشور.
۹. عابدی، مرغوب، سوانح دہلی، شاہزادہ مرزا احمد گورگانی، اردو اکادمی، دہلی، ۱۹۹۹ م.
۱۰. علامی، ابوالفضل، اکبرنامہ، منشی نولکشور.
۱۱. غالب، میرزا اسداللہ خان، دستنبو، اردو اکادمی، دہلی نو.
۱۲. فرشتہ، محمد قاسم، تاریخ فرشتہ، ج اول، منشی نولکشور.
۱۳. موحد، دکتر محمد علی، سفرنامہ بطوطہ الرحلہ، چاپ دانشگاه تہران، ایران.
۱۴. نظامی، پروفیسور خلیق احمد، تاریخی مقالات، ندوۃ المصنّفین، جامع مسجد دہلی، ۱۹۶۶ م.